

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۴/۲۶

تاریخ تصویب: ۹۷/۰۷/۰۹

صفحات: ۳۷ تا ۶۱

تغییر مبانی هویتی سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه و تاثیرات منطقه‌ای آن

علی نیکوکار

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، واحد اصفهان خوراسگان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

* مهناز گودرزی

عضو هیات علمی گروه روابط بین‌الملل، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

چکیده

با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه جهت‌گیری سیاست خارجی ترکیه دستخوش تغییرات جدی گردید و رویکرد این کشور در خاورمیانه از همکاری به سمت تعارض گرایش پیدا کرد. تغییرات بوجود آمده در بافت سیاسی و اجتماعی ترکیه و تاکید این کشور بر لایه‌های هویتی، تنش‌های ایدئولوژیکی جدیدی را بوجود آورد که بررسی تغییر مبانی هویتی سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه و تاثیرات منطقه‌ای آن را ضروری می‌نماید. بنابراین پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سوال بود که تغییر مبانی هویتی ترکیه چه تاثیرات منطقه‌ای در خاورمیانه داشته است؟ یافته‌های پژوهش نشان داد که که بهره‌گیری حزب عدالت و توسعه از مبانی هویتی در خاورمیانه این کشور را تا حدودی درگیر بازی‌های ایدئولوژیکی می‌کند که وجه اشتراک چندانی با آنها ندارد و از طرفی هم با قرائتی که از اسلام‌گرایی دارد وارد حوزه رقابتی ایران و عربستانی می‌شود که هر کدام نماینده بخشی از هویت آن (شیعی و سنی) هستند و از طرفی هم در قبال آن، منافع متضاد و مشترکی دارند، لذا حضور ترکیه در خاورمیانه منجر به پیچیده‌تر شدن معادلات منطقه‌ای و تضاد رویکردها شده و رقابت‌های ایدئولوژیکی را تشدید می‌کند. این مقاله بر اساس تئوری سازه‌نگاری مورد واکاوی قرار گرفته که روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است و جمع‌آوری مطالب نیز بصورت کتابخانه‌ای می‌باشد.

کلید واژه: سیاست خارجی ترکیه، مبانی هویتی، ارزش‌های غربی، ناسیونالیسم ترکی، امنیت

منطقه‌ای.

۱- مقدمه

حزب عدالت و توسعه^۱ بعد از پیروزی در انتخابات نوامبر ۲۰۰۲ تاکنون، تغییرات اساسی را در بافت اجتماعی و سیاسی ترکیه بوجود آورده است که در سه دوره قابل بررسی است، ترکیه در دوراول بر ظرفیت‌های بالقوه در ابعاد جغرافیایی و تاریخی بر تعامل با همسایگان و به حداقل رساندن تنش‌ها و میانجی‌گری در مناقشات منطقه‌ای و جهانی در پی امنیت‌زدایی از سیاست خارجی بود، صورت‌بندی هویتی مبتنی بر سابقه تاریخی و فرهنگی خاص ترکیه در کنار موقعیت ژئوپلیتیک آن باعث شد تا این کشور هم ظرفیت تعامل با غرب را ارتقاء دهد و هم قدرت بازیگری خود را در جهان اسلام و خاورمیانه تقویت کند، اما بعد از تحولات سال ۲۰۱۱ سیاست خارجی این کشور هم با تغییراتی مواجه شد، تحولات هویتی و تغییر در بافت و ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این کشور به گونه‌ای بود که این کشور را وارد رقابت‌های ایدئولوژیک منطقه‌ای که با آنها قرابتی نداشت، کرد. ترکیه با ورود به حوزه رقابتی ایران و عربستان تنش‌های ایدئولوژیک جدیدی را بوجود آورد که برتعریف امنیت منطقه‌ای تاثیرگذار بود، به گونه‌ای که در خاورمیانه سه قرائت متضاد ازاسلام شکل گرفت که هر کدام داعیه رهبری بخشی از آنها دارند. ترکیه برای افزایش نقش منطقه‌ای و قدرت بازیگری خود در خاورمیانه از طرفی با دخالت در امور داخلی همسایگان وارد حوزه تمدنی و هویتی ایران و عربستان شد و از طرفی هم با تعاریف جدیدی که از مرزهای هویتی داشت ارتش و احزاب سکولار که حامی تعریف اروپامدارانه از هویت ملی ترکیه بودند با تحولات دهه اخیر به حاشیه رفتند. دور سوم سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه در خاورمیانه بعد از تحولات ۲۰۱۶ اتفاق افتاد بطوریکه سیاست خارجی رادیکالتر و پرخاشگری را در منطقه دنبال می‌کرد. تغییرات همزمان در ماهیت و درک نظام بین‌المللی، پایان جهان تک‌قطبی، ایجاد مراکز جدید قدرت و تغییرات داخلی در ترکیه جهت‌گیری سیاست خارجی این کشور را متحول کرد به گونه‌ای که ترکیه هم اعتماد اروپائیان را از دست داد و هم به دلیل عدم شناخت از مبانی هویتی منطقه خاورمیانه قدرت بازیگری خود را با چالش مواجه کرد. در شرایطی که هویت^۲ و منازعات هویت‌محور شکل‌بندی جدید امنیتی خاورمیانه را تشکیل می‌دهند و هویت‌گرایی کشورهایی چون ترکیه بر ساختار اجتماعی و سیاسی کشورهای منطقه تاثیرگذار است، لذا نویسنده دنبال آن است تا ابتدا مبانی هویتی

۱. Justice and Development Party

۲. Identity

_____ تغییرمبانی هویتی سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه و تاثیرات منطقه‌ای آن ۵

تاثیرگذار بر سیاست خارجی ترکیه در منطقه را شناسایی و سپس تاثیر این مبانی را در تحولات سیاسی و اجتماعی خاور میانه و امنیت منطقه‌ای بررسی نماید. به نظر می‌رسد که سیاست‌هویت‌ی حزب عدالت و توسعه در خاورمیانه این کشور را تا حدودی درگیر بازی‌های ایدئولوژیکی می‌کند که وجه اشتراک چندانی با آنها ندارد و از طرفی هم با قرائتی که از اسلام‌گرایی دارد وارد حوزه رقابتی با ایران و عربستانی می‌شود که هرکدام نماینده بخشی از هویت آن (شیعی و سنی) هستند و از طرفی هم در قبال آن، منافع متضاد و مشترکی دارند که قطعاً ترکیه در آنها جایی ندارد.

۲- چار چوب نظری

نظریه‌های روابط بین‌الملل به دو دسته مادی گرا و معنا گرا تقسیم می‌شوند، نظریه‌های مادی‌گرا به نقش عوامل مادی محیطی (داخلی و خارجی) در سیاست خارجی اعتقاد دارند که به خردگرایان مشهورند و در دو سطح خرد (عوامل داخلی) و کلان (ساختار نظام بین‌الملل) به سیاست خارجی دولت‌ها اولویت می‌دهند. در مقابل نظریه‌های معناگرا بر نقش عوامل غیرمادی و فرهنگی در سیاست خارجی تاکید دارند که یکی از مهمترین این نظریات سازه‌انگاری است. سازه‌انگاری به انواع مختلفی تقسیم می‌شود که همه اشکال آن در سه گزاره و مفروضه هستی‌شناختی؛ بر ساخته بودن هویت و اهمیت ساختارهای معنایی و فکری در آن، رابطه متقابل ساختار و کارگزار و نقش هویت در شکل‌دهی منافع و سیاست‌ها، ایده‌ها، هنجارها و ارزش‌های بین‌الذهانی مشترک هستند (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۳۲۴). از آنجا که هویت کشورها با منافع آنان ارتباط دارد و منافع ملی بخشی از فرایند هویت‌سازی است این برداشت و تلقی اجتماعی از هویت، مستلزم و متضمن معنا و مفهوم اجتماعی بودن منافع نیز می‌باشد. آنچه در میان عوامل غیر مادی برای تحت تاثیر قرار دادن سیاست خارجی بیشتر مورد توجه سازه‌انگاران قرار گرفته، هویت است (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۹: ۴۳). شناخت چگونگی شکل‌گیری هویت‌ها و منافع و نوع هنجارها و رویه‌هایی که با بازتولید آنها توأم هستند و نیز قوام‌بخشی متقابل آنها؛ مهمترین اهداف نظری سازه‌انگاری است. اهمیت موضوعات هویتی از قبیل هنجارها، ایده‌ها، یادگیری و تشکیل هویت به این علت است که سازه‌انگاری تصور می‌کند هویت‌ها بصورت بالقوه بخشی از رویه‌های قوام بخش کشورها بوده و در نتیجه کنش‌های آنها را در داخل و خارج بر می‌انگیزاند

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷

(دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۹: ۴۳). "امانوئل آدلر"^۱ معتقد است که هویت دولت‌ها، محور تعریف آنها از واقعیت و ساختن مسائلی چون قدرت، منافع ملی، دوست و دشمن، امنیت و... است که در نهایت تصمیم‌گیری و کنش بر اساس آنها به انجام می‌رسد (Adler, ۱۹۹۷: ۷-۵۰). از بین سازه‌انگاران الکساندر ونت^۲ بیشتر به مسئله هویت و تاثیر آن بر سیاست خارجی پرداخته است. ونت با برشمردن ویژگی‌های هویت معتقد است؛ معانی جمعی قوام بخش ساختارهایی هستند که به کنش‌های ما سامان می‌بخشند و کسب هویت ناشی از مشارکت دادن در این معانی جمعی است. هویت ذاتا امری نسبی و رابطه‌ای است که در نتیجه اهمیت یک هویت خاص و تعهد به آن امری ثابت نیست و هویت‌ها بنیان منافع هستند و منافع مستقل از زمینه اجتماعی وجود ندارد که در هر موقعیت تجربه شده‌ای معنای آنها و در نتیجه منافع مربوطه ساخته می‌شود (ونت، ۱۳۸۴: ۳۶۱). هویت شامل دو انگاره است، انگاره خود و دیگری. پس ساختارهای درونی و بیرونی، هر دو به هویت‌ها قوام می‌بخشند (رمضان زاده و جوکار، ۱۳۸۹: ۱۳۸-۱۳۹). به تعبیر ونت دولت‌ها همزمان چهار نوع هویت دارند: اول؛ هویت جمعی پیکروار که با ساختارهای خود سازمان بخش و هم ایستا قوام می‌یابد و پایه مادی این هویت سرزمین است، دوم؛ هویت نوعی که به مقوله اجتماعی در ارتباط با دولت‌ها و به نوع رژیم یا شکل حکومت اشاره دارد، سوم؛ هویت نقشی که در تعامل با دیگران در نظام جهانی و منطقه‌ای شکل می‌گیرد و چهارم؛ هویت جمعی که رابطه میان خود و دیگری را به نتیجه منطقی آن یعنی هم ذات انگاری یا یکسان انگاری می‌رساند (عسگرخانی و منصورى مقدم، ۱۳۸۹: ۱۹۸). پیامد مهم هویت‌گرایی منازعه و همکاری است که به شکل‌گیری منافع دولت‌ها در رسیدن به همکاری یا منازعه کمک می‌کند (ونت، ۱۳۸۴: ۳۶۹). سازه‌انگاران معتقدند که کارگزاران عامل مهمی در روند تاثیرگذاری بر سیاست داخلی و خارجی کشورها هستند که در جریان تعامل با دیگر کنشگران، ساختارها را ایجاد می‌کنند و بر اساس هویت‌های متمایز خود که برآمده از محیط داخلی‌شان است در این ساختار دست به کنش می‌زنند و از طرفی هم ساختارها با ایجاد چهارچوب‌ها و قواعدی حیطة عمل کنشگران را محدود می‌کنند و هویت و منافع آنان راتحت تاثیر قرار می‌دهند (جوادی ارجمند، ۱۳۹۲: ۴۷-۷۱). با نگاهی هویتی به جامعه ترکیه و خط مشی رهبران آن از جمله اردوغان، می‌توان دریافت که ترکیه از جمله جوامعی است که در نیمه اول

۱. Emanuel Adler

۲. Alexander Wendt

_____ تغییرمبانی هویتی سیاست خارجی ترکیه درخاورمیانه و تاثیرات منطقه‌ای آن ۵

قرن بیستم کوشید با دوری از هویت اسلامی خود ردای هویت غربی را بر تن کند؛ غافل از اینکه هویت تمدنی مسأله‌ای نیست که با اجبار قابل تغییر باشد (مقصودی و تیشه یار، ۱۳۸۸: ۳۲). از نگاه رهبران حزب عدالت و توسعه، هویت ترکیه برساخته از فرهنگ و تمدن غنی این کشور در دوره امپراتوری عثمانی همراه با تمدن غربی است که نوع خاصی از اسلام‌گرایی با عنوان «اسلام‌گرایی اعتدالی» به وجود آورده است که از سه سازه مسلمان خاورمیانه‌ای، ترک اوراسیایی و شهروند اروپایی تشکیل شده است. بدین علت، در رویکرد جدید رهبران ترکیه، می‌توان جلوه‌هایی از اسلام‌گرایی، ترک‌گرایی، شرق‌گرایی و غرب‌گرایی را بطور همزمان مشاهده کرد. (مصلی نژاد، ۱۳۹۲: ۷۱)

۳- مبانی هویتی تاثیرگذار ترکیه در خاور میانه

سیاست‌های قومی (پان ترکیسم)، دینی (احیای خلافت عثمانی در شکل نوین)، انقلابی (موضوع غزه و حمایت از بیداری اسلامی)، غربی (ناتو، گرایش اروپایی و رابطه با رژیم صهیونیستی) و شرقی (تعریف منافع در آسیا و آفریقا) برای ایجاد هژمونی منطقه‌ای و نمایندگی جهان اسلام در عرصه بین‌الملل، نشان می‌دهد که ترکیه در سیاست خارجی بدنبال سیاست چند وجهی است (زاهدی، ۱۳۹۱: ۵). دولت اردوغان در راستای عدالت و توسعه در زمینه اقتصادی، این حزب سیاست‌های آزادسازی، خصوصی سازی و همراهی با اقتصاد بازار جهانی را در پیش گرفته است (مسعود نیا و نجفی، ۱۳۹۰: ۱۴۱). در زمینه سیاست خارجی، حمایت ترکیه از عضویت در اتحادیه اروپا سبب شده که محبوبیت این حزب بالا رود و از اردوغان به عنوان قهرمانی ملی یاد کنند (واعظی، ۱۳۸۶: ۵). رعایت حقوق بشر و حقوق شهروندی، حذف اعدام از مجازات‌ها، تأکید بر رعایت حقوق اقلیت‌های قومی و دینی، رفع تبعیض‌های جنسیتی، کاهش تعداد و نقش نظامیان در منصب‌های اجرایی؛ از جمله دبیر شورای امنیت و دبیر آموزش و پرورش و... این برداشت را در ذهن ترک‌ها شکل داد که اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه، افرادی دموکرات و قانونگرا هستند و بهتر است به این گروه رأی داده شود (اکبری، ۱۳۸۷: ۱۷۴). هویت بخش جدایی ناپذیر معادله قدرت در رقابت‌های منطقه‌ای و ژئوپلیتیکی خاورمیانه است به گونه‌ای که بحران‌های خاورمیانه چه در سوریه و چه در عراق و یمن همگی متأثر از منازعات هویتی شکل گرفته‌اند، برخی از نشانه‌های آن در ارتباط با تضادهای منطقه‌ای ایران، ترکیه و عربستان مورد توجه قرارگرفت که هر یک از سه کشور تلاش دارند تا بر فرایندهای سیاسی

امنیتی سوریه در کوتاه مدت و کل منطقه خاورمیانه در بلند مدت فائق آیند، این تضاد هویتی نه تنها در منطقه خاورمیانه، بلکه ادبیات سیاسی رهبران ایالات متحده و روسیه را نیز متأثر ساخته به گونه ای که رهبران دو کشور تلاش دارند تا دیگری را به اتخاذ الگوهای نادرست مغایر با ثبات، امنیت و تعادل منطقه‌ای متهم و الگوی خود را موجه جلوه نمایند (مصلی نژاد، ۱۳۹۲: ۷۱). حزب عدالت و توسعه از این قاعده مستثنی نبوده و هویت ترکیه را مبتنی بر آموزه‌های اسلام اخوانی، ارزش‌های غربی و هویت ملی با تاثیرپذیری از سکولاریسم و مدرنیسم ترسیم نموده است، که هر یک از این هویت‌ها در طول تاریخ ترکیه با توجه به شکل‌گیری ایده‌های جدید و شرایط و مقتضیات هر دوره به هویت غالب مبدل شده است (علی حسینی، ۱۳۹۴: ۲-۳).

۳-۱- هویت اسلامی - شرقی

اردوغان پس از رسیدن به قدرت حزب عدالت و توسعه را حزبی اسلام‌گرا، محافظه‌کار و دموکراتیک، دارای مشی «اسلام‌گرایی اعتدالی» تعریف نمود، در واقع، الگویی که وی ارائه می‌دهد مبتنی بر قرائتی خاص از اسلام است که جهان غرب را دشمن اسلام تلقی نمی‌کند و در تلاش است با خلق وجه اشتراکاتی میان غرب و اسلام، همزیستی مسالمت‌آمیز میان این دو را تضمین نماید و بدین سبب، به «اسلام‌گرایی اعتدالی» شهرت یافته است (یزدانی و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۱). اسلام اعتدالی محافظه‌کار ترکیه که بنیان آن به سنت صوفی‌گری و طریقت‌گرایی ترکیه‌ای برمی‌گردد بر گوش‌نشینی و عبادت فردی و سیر و سلوک معنوی تأکید دارد که اندیشه‌های گولن (پدر معنوی اسلام‌گرایی اعتدالی) نیز دقیقاً برگرفته از این سنت صوفیانه است (اکبری، ۱۳۸۷: ۱۹۴). لذا هویت اسلامی حزب عدالت و توسعه به ملاحظات دینی در حوزه فردی برمی‌گردد، نگاه حزب به اسلام در حوزه اجتماعی است و وارد عرصه سیاسی نمی‌شود، لذا رهبران حزب دین و سکولاریسم را با یکدیگر متضاد نمی‌دانند و معتقدند حوزه نفوذ آنها با یکدیگر متفاوت است. هویت اسلامی حزب به تعبیر اردوغان از محافظه‌کاری، به سه وجه خانواده، عثمانیسم و پارسایی متأثر از اصول فکری جماعت اسلامی فتح‌الله گولن^۱ برمی‌گردد (یاووز، ۱۳۸۹: ۱۵۵). به تعبیر اردوغان گرایش‌های حزب عدالت و توسعه به اسلام، درست به

۱. Fethullah Gülen

_____ تغییرمبانی هویتی سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه و تاثیرات منطقه‌ای آن ۵

اندازه گرایش‌های حزب دموکرات مسیحی آلمان به آموزه‌های مسیح است و همان قدر که مسیحیت در تصمیم‌های حزب دموکرات مسیحی آلمان نقش دارد، اسلام نیز در تصمیمات ما نقش دارد (زارع، ۱۳۸۳: ۲۱۵). در واقع در ترکیه به مانند احزاب دموکرات مسیحی که بین مسیحیت، مدرنیته و سیاست در اروپا آشتی ایجاد کردند؛ تلاش می‌شود تا دین و مدرنیته در کنار دین و سیاست قرار گیرد (صبری و صولت، ۱۳۹۱: ۹۰). قرائت حزب از اسلام ریشه در دو عامل ژئوپلیتیک و هویت ترکیه دارد. ترکیه در حد واسط کشورهای غربی و جهان اسلام واقع شده است. این کشور نه مانند کشورهای اسلامی همچون ایران، عراق، عربستان و غیره در مرکز جهان اسلام واقع شده و نه مانند کشورهای اروپای غربی و ایالات متحده در عمق استراتژیک جهان غرب استقرار یافته است. همجواری ترکیه با جهان غرب و اسلام سبب شده تا به طور هم زمان متأثر از دو جبهه باشد (افضلی و متقی، ۱۳۹۰: ۱۸۳). اکثر رهبران و پیروان فعال حزب عدالت و توسعه از سیاست‌های اقتصادی نولیبرالی اوزال سود جسته، رشد کرده و توانسته‌اند مستقل از دولت و منابع ثروت عمومی وارد عرصه فعالیت‌های سیاسی شوند (یاووز، ۱۳۸۹: ۹۵-۹۷). به همین سبب حاضر نیستند منافع اقتصادی خود را که استقلال در عرصه سیاسی را مرهون آن هستند در خطر ببینند و به همین دلیل سعی می‌کنند نسبتی اعتدالی میان لیبرال - دموکراسی و اسلام‌گرایی ایجاد کنند. اردوغان با اولویت دادن به توسعه اقتصادی و کمک به وضعیت بحرانی موجود در آن سال‌های ترکیه، اقدامات قابل ملاحظه‌ای انجام داد و توانست رأی بسیاری از مردمان کم بضاعت را تاکنون از آن خود کند. وی برای ایجاد تمایز میان گفتمان خود؛ یعنی «اسلام‌گرایی اعتدالی» و گفتمان «لایسزم» در ترکیه ناگزیر به حداقل تظاهر به اسلام شد. در این راستا، در حوزه سیاست‌خارجی با تسامح، تظاهر به اسلام‌گرایی می‌کند و در مواجهه با کشورهای اسلامی در سکولاریسم و غرب‌گرایی افراط نمی‌کند (افضلی و متقی، ۱۳۹۰: ۸۲).

۳-۲- هویت اروپایی - غربی

سیاست نگاه به غرب همراه با کم توجهی به ملاحظات منطقه‌ای که تا اوایل دهه ۶۰ م ادامه داشت، سیاست خارجی ترکیه را با متغیرهای جدید داخلی و بین‌المللی مواجه ساخت که نتیجه آن شکل‌گیری فرایندی جدید با گرایش‌های منطقه‌ای در سیاستگذاری خارجی را برای ترکیه به همراه داشت. اگر چه با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه منطقه خاورمیانه و

اسلام‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه اهمیت یافت ولی جایگاه مهم ترکیه در سازمان‌های غربی بویژه ناتو، همچنان در اولویت بود (فلاح، ۱۳۹۱: ۵). اگرچه سرچشمه‌های غرب‌گرایی در ترکیه به اواخر دوران امپراطوری عثمانی برمی‌گردد، اما شروع طرح غرب‌گرایی با پی‌ریزی جمهورییت در ترکیه به اوج خود رسید، زیرا تا پیش از تشکیل جمهوری ترکیه، نخبگان رفورمیست عثمانی، اروپا را نه به عنوان منبعی تمدن ساز، بلکه به عنوان چارچوبی پراگماتیک برای رهایی از انحطاط داخلی می‌نگریستند؛ اما نخبگان جدید، غرب‌گرایی را بعنوان «پروژه ای تمدنی» در نظر می‌گرفتند که موجد ایده‌های شناختی نخبگان عصر جمهوری بود. در آن زمان، غرب‌گرایی، عامل اصلی مشروعیت بخش به اصلاحات کمالیستی به حساب می‌آمد. آتاتورک بنیانگذار جمهوری ترکیه «تمدن اروپایی» را براساس معیارهای غربی در سطحی قراردادده بود که روشنفکران ترکیه برای رسیدن به آنها می‌کوشیدند (امام جمعه زاده و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۶).

از طرفی سیاست حزب عدالت و توسعه در حفظ هویت غربی به شکل احترام به فرد و در محور قرار دادن فرد در عرصه اجتماع و دفاع از آزادی و دموکراسی در عرصه سیاسی نمایان شد. حتی در مسئله‌ای مانند حجاب، حزب از جایگاه دفاع از حقوق شهروندی به آن می‌نگرد نه از جایگاه دفاع از حقوق اسلامی، در عرصه سیاست خارجی نیز، این مؤلفه تلاشی است برای عضویت در اتحادیه اروپا نه ذوب شدن در آن. ترکیه با فرایند اروپایی شدن، هماهنگی با تمدن غرب را نه یک اصل پایدار، بلکه یک مصلحت می‌داند (بخشی، ۱۳۸۸: ۱۲۹). هدف حزب عدالت و توسعه از حفظ ارزش‌های غربی به رهبری اردوغان، تقویت سیاست‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای خود در راستای همگرایی با اتحادیه اروپا است. این سیاست در دو مقطع ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲ و سال‌های اولیه هزاره سوم قابل بررسی است. متغیرهایی از جمله بحران مالی و سیاسی بین‌المللی و تأثیرگذاری آن بر تصمیم‌گیرندگان امریکایی و اروپایی و نیاز آنها به شرکای منطقه‌ای قوی، بحران اقتصادی برخی کشورهای اروپایی و تأثیر آن بر سیاست اروپایی‌ها، مشکلات یونان و ایتالیا که برگ برنده‌ای برای ترکیه بود و وقوع انقلاب‌های مردمی در کشورهای خاورمیانه، بر این روند تأثیر گذاشته‌اند (حسینی و دیگران، ۱۳۹۲: ۷۳). ارزش‌های آزادی، عدالت و برابری ناشی از تکثیر طبقه متوسط و صنعتی‌کردن کشور در تجربه اروپایی و تغییر شکل سیاسی و اقتصادی این کشور نوعی هویت‌ملی مدرن را با خود به همراه آورد، در حالیکه هیچ طبقه تجاری قدرتمندی به منظور ایجاد سیستم اقتصادی مدرن و طبقه کارگر شهری بزرگی برای حمایت از عدالت اجتماعی در ترکیه وجود نداشت. (امام جمعه زاده و

_____ تغییرمبانی هویتی سیاست خارجی ترکیه درخاورمیانه و تاثیرات منطقه‌ای آن ۵
دیگران، ۱۳۹۲: ۵۱) بنابراین، همه اصلاحات با ابتکار خود رهبران صورت می‌گرفت؛ این امر باعث شد تا توده‌های مذهبی به «مقام والای تمدن غربی» معتقد نشوند، در نتیجه، طرح غرب‌گرایی نمی‌توانست در افکار عمومی حمایت زیادی بیابد. با عنایت به فلسفه بنیانگذاران جمهوری ترکیه، سیاست نگرش به غرب به عنوان اصل اول کمالیسم، موضع‌گیری سیاست خارجی را در منطقه تحت تأثیر قرار داد، به گونه‌ای که پس از جنگ جهانی دوم، منطقه خاورمیانه در درجه دوم اهمیت برای سیاست خارجی این کشور قرار گرفت (فولر، ۳۷۹: ۱۱۵-۱۱۶).

۳-۳- هویت ملی - ترکی

عنصر سوم هویت رسمی ترکیه، ناسیونالیسم است؛ رویکرد ناسیونالیستی اتحاد و ترقی که در دوران حاکمیت کمالیست‌ها به اوج خود رسید، تعریفی ترکی از هویت ملی ترکیه ارائه داد که از طرفی موجب افزایش قدرت کمالیست‌ها و ارتش در ترکیه شد و از سوی هم موجب نارضایتی کردها که مهمترین بخش از احساس ناامنی ناشی از خطر تجزیه در ترکیه محسوب می‌شدند، را در پی داشت. بنابراین تعریف مرزهای هویتی به حدود قبل از دوران کمالیست‌ها، یعنی قبل از شروع احساس ناامنی ناشی از تجزیه‌طلبی کردها رسانده شد (یاووز، ۱۳۸۹: ۱۷۰). حزب عدالت و توسعه معتقد است مسئله کردی ربطی با ناسیونالیسم ندارد و بیشتر زائیده سکولاریسم تحمیلی و رفتار ایدئولوژی کمالیستی در برابر ناسیونالیسم ترک است، تکیه بر علقه‌های مشترک و اخوت اسلامی که موجب توانمندی کشور شده به این مناقشه پایان خواهد داد، در درگیری شبه نظامیان کرد با دولت و هویت‌خواهی منطقه شرق ترکیه که در سال ۲۰۱۵ شدت بسیاری یافت، حزب با تکیه بر اینکه اسلام هویت غالب کردهاست سعی کرده با تقویت هویت اسلامی، مانع از افزایش شکاف میان هویت ملی و هویت کردی شود (یاووز، ۱۳۸۹: ۲۸۱). ترکیه در سطح داخلی هم با تاکید بر هویت ترکی و کردی در ذیل هویت ملی سعی دارد تا با انسجام قومیت‌های مختلف اقتدار این کشور را افزایش دهد. داوود اوغلو معتقد است: «ترکیه یک دولت ملی مدرن است که دو قاره اصلی و نیز در حوزه تاثیرات متقابل حوزه‌های مختلف جغرافیایی سیاسی، فرهنگی و هویتی در گذرگاه قاره‌ها و بین مناطق قرار گرفته است (گوهری مقدم و مددلو، ۱۳۹۵: ۱۳۲) بنابراین ترکیه با تاکید بر هویت‌گرایی در سیاست خارجی، بدنبال بهره‌گیری از همه ظرفیت‌ها در مرکزیت ژئوپلیتیکی و ژئوکالچری خاورمیانه می‌باشد، به

گونه‌ای که ترکیه خود را در دوران عثمانی تصور می‌کند و علاوه بر این، مرزهای هویتی خود را نه در محدوده مرزهای ترکیه کنونی، بلکه در مرزهای هویتی و تاریخی در خاورمیانه در دوران اقتدار عثمانی ترسیم می‌کند. از طرفی هم ترکیه با ارائه برنامه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برای نزدیکی بیشتر به کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق به ترکیه و دور نگهداشتن آنها از بنیادگرایی اسلامی در تلاش است تا با کمک غرب و مشارکت در توسعه اقتصادی این کشورها، زمینه نفوذ فرهنگی، سیاسی و اقتصادی خود را هموار کند (کوشکی، ۱۳۹۳: ۵۱). بنابراین ترکیه هم می‌توانست از کمک‌های غرب بهره‌مند شود و هم از ظرفیت آنها برای پیشبرد برنامه‌های خویش در مناطق پیرامونی استفاده کند. ترکیه همچنین با سازماندهی کنگره‌های سالانه برای گردهمایی رهبران کشورهای تازه استقلال یافته به استثنای تاجیکستان، زمینه همبستگی بیشتر خود را با آنها ایجاد کرد. ترکیه در این اجلاس‌ها مسائلی نظیر ایجاد «بازار مشترک ترک»، «بازار مشترک المنافع ترکی» و همچنین در اجلاس اوریل ۱۹۹۲ کشورهای مذکور در بیشکک، تاسیس بانک سرمایه‌گذاری واحد را به منظور فراهم ساختن زمینه توسعه اقتصادی این کشورها پیشنهاد کرد (احمدی، ۱۳۸۸: ۴-۵).

۴- اصول سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه

با تعریف جدید از هویت در خاورمیانه، ترکیه از طرفی هم با تجزیه احتمالی مقابله می‌کرد و هم از تاثیر موج ملی‌گرایی اروپایی در امان بود و از سویی هم در خارج از مرزها سیاستی متناسب با ارزش‌های تعریف شده خود در پیش گرفت (داود اوغلو، ۱۳۹۱: ۹۵). بنابراین ترکیه در دوران اردوغان هویت نوینی از خود تعریف کرد که شامل سیاست خارجی چند بعدی دولت اربکان و ابداع رهیافت عمق‌استراتژیک داود اوغلو^۱ بود که بر هویت تاریخی و جغرافیایی ترکیه تاکید داشت، اما رفتارهای تنش‌آمیز با همسایگان موجب امنیتی‌شدن چهره ترکیه در عرصه تعاملات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی شده است به گونه‌ای که اصول سیاست خارجی این کشور با تغییراتی مواجه شد که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. Davutoglu

_____ تغییرمبانی هویتی سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه و تاثیرات منطقه‌ای آن

۴-۱- از تعادل بین امنیت و آزادی تا اقتدارگرایی حزبی

بر اساس این اصل سیاست خارجی کشورها ارتباط وثیقی با سیاست داخلی و تقویت روندهای دمکراتیک دارد. حکومت‌هایی که برای ایجاد امنیت، آزادی را محدود می‌کنند به زودی تبدیل به دولت‌های دیکتاتور می‌شوند، بدین ترتیب ترکیه از سال ۲۰۰۲ یک وضعیت ترویج آزادی مدنی بدون تضعیف امنیت را در پیش گرفت (۱۴: ۲۰۰۹، Gueldere) در این چهارچوب دولت ترکیه برای اصلاح ساختار تحت سیطره نظامیان دو فرماندوم اصلاحات مهم قانون اساسی در سال ۲۰۰۷ و ۲۰۱۰ برگزار کرد و نیز حزب حاکم پس از پیروزی در سومین انتخابات پارلمانی در ۲۰۱۱ برگزار کرد، قانون جدید را با مشارکت دادن احزاب مخالف در پارلمان و نهادهای موثر مدنی را در دستورکار خود قرار داد. (بنی‌هاشم، ۱۳۹۱:۱۷۱) بعد از سال ۲۰۱۰ کم‌کم دوره اقتدارگرایی حزب توسط اردوغان شروع شد، گذار از دمکراسی درون حزبی و حذف تدریجی مخالفین از رهبری حزب از یکسو و تلاش برای تغییر سبک زندگی مردم و تربیت نسل جوان متدین از سوی دیگر از نشانه‌های برهم زدن تعادل بین امنیت و آزادی است. (خلج منفرد، ۱۳۹۵: ۶۹) اقتدارگرایی اردوغان باعث چرخش در سیاست‌های داخلی و خارجی ترکیه شد و بار دیگر به شکاف‌ها و اختلافات سیاسی، قومی و مذهبی در این کشور دامن زد که عواقب آن از جمله حوادث پارک گزی، درگیری و جدال حزب حاکم با جریان فتح اله گولن، به بن بست رسیدن گشایش‌های دمکراتیک حزب عدالت و توسعه، اوج‌گیری دوباره مشکلات دولت با کردها و علویان ترکیه و تعمیق دوباره شکاف‌های قومی و مذهبی در این کشور بود.

۴-۲- از به صفر رساندن مشکلات با همسایگان تا تنش‌های موجود

دولتمردان انکارا با اذعان به این که امکان حذف تمام تنش‌ها و اختلافات این کشور با همسایگان ممکن نیست، معتقدند؛ اعلام چنین سیاستی بعنوان یک هدف موجب تغییر تصور و ذهنیت دولت‌ها، صاحبان شرکت‌ها و ملل منطقه نسبت به چشم انداز سیاست‌های منطقه‌ای این کشور خواهد شد. داوود اوغلو اشاره می‌کند که به خاطر محیط پرتنش خاورمیانه و سرنوشت مشترک این کشورها؛ دولت‌های منطقه بایستی از طریق مذاکره به سمت کاهش یا حل تنش‌ها حرکت نموده و همکاری منطقه‌ای را تقویت نمایند. دولت اردوغان تا سال ۲۰۱۱ سعی کرده است از طریق بهبود روابط سیاسی و افزایش همکاری‌های گسترده اقتصادی و تجاری،

اختلافات و بدگمانی‌های سیاسی و امنیتی خود را کاهش دهد (مفیدی احمدی، ۱۳۹۲). نمونه‌های عملی این سیاست، تنش‌زدایی ترکیه با ارمنستان و همچنین یونان بر سر مسئله قبرس است. اما با تحولات خاورمیانه بالاخص سوریه و عراق این کشور از موضع تنش‌زدایی با همسایگان با بهره‌گیری از مبانی هویتی به سمت تنش‌آفرینی در منطقه و دخالت در امور داخلی این کشورها حرکت کرد. ترکیه در سیاست خارجی بدنبال کسب «رهبری سیاسی» در منطقه خاورمیانه است و سعی دارد تا با بهره‌گیری از مبانی هویتی و تقویت قدرت نرم خود از یکسو و تقویت روابط اقتصادی با کشورهای عرب منطقه از سوی دیگر منافع حداکثری را کسب نماید (مسعودنیا و فروغی، ۱۳۹۱: ۱۰۲-۱۰۶). ترک‌ها در تلاشند تا در رابطه با همسایگان خود به جای بهره‌گیری از قدرت سخت و نظامی دهه گذشته از قدرت نرم و مبانی هویتی بهره‌گیرند و بر این اساس بر سه اصل ارتباطات تاریخی و فرهنگی، نهادهای دموکراتیک و قدرت اقتصادی و بازار آزاد به هدف خود که ایجاد یک خط ثبات در گرداگرد ترکیه است، دست یابند (تاجیک، ۱۳۹۵: ۱۱۴). اما سیاست‌های ترکیه در منطقه که بهره‌گیری همزمان و تلفیقی از مبانی هویتی و ژئوپلیتیک است که نه تنها باعث به صفر رساندن مشکلات با همسایگان نشده، بلکه با دخالت در امور داخلی کشورهای همسایه از جمله عراق و سوریه، بدنبال تقویت مبانی هویتی و کسب منافع حداکثری و غیر قابل جمع در منطقه است، اما از آنجا که آگاهی نخبگان ترکیه نسبت به مسائل منطقه‌ای کم بوده و کدهای ژئوپلیتیکی متناقضی را دریافت می‌کنند همواره با مشکلات زیادی دست به‌گریبانند.

۴-۳- دیپلماسی فعال منطقه‌ای و درگیر شدن در مسائل بین‌المللی

رسالت دیپلماسی ترکیه «امنیت برای همه» در خاورمیانه از طریق تقویت مکانیزم‌های حل منازعه تعریف می‌گردد. داوود اوغلو معتقد بود: که اصولاً منفعت ترکیه ایجاب می‌کند که صلح و ثبات در مناطق پیرامونی آن برقرار باشد. وی معتقد است تقویت سطح همکاری در عرصه بین‌الملل برای آنها اولویت دارد و این امر ایجاب می‌کند که تعامل بین‌المللی ترکیه در مناطق مختلف جهان فعال‌تر شود، به اعتقاد «نور مارتین» سیاست خاورمیانه‌ای ترکیه در ایجاد توازن در منافع این کشور با محاسبه «تهدید امنیت ملی» که از منطقه سرچشمه می‌گیرد، ایجاد می‌شود که حفظ روابط خوب اقتصادی و دیپلماتیک با همسایگان نیز در این راستا قرار می‌گیرد (اسماعیلی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۷۵).

_____ تغییرمبانی هویتی سیاست خارجی ترکیه درخاورمیانه و تاثیرات منطقه‌ای آن ۵

استفاده همزمان از مبانی هویتی و ژئوپلیتیک در رویکرد سیاست خارجی ترکیه تأثیرات مهمی داشته است، بطوریکه این کشور بعزت حضور هواداران آتاتورک در قدرت تا دهه ۹۰ میلادی منطقه غرب آسیا را از اولویت اول سیاست خارجی خود خارج کرده بود و بدنبال تحولات منطقه‌ای و جهانی؛ توجه خویش را به غرب معطوف کرد (تاجیک، ۱۳۹۵:۱۱۴) اگر چه در ابتدا با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ که هدف آن اتحاد میان کشورهای اسلامی برای مقابله با غرب بود و هویت اسلامی تقویت می‌شد، اما با دخالت ترکیه در امور داخلی کشورهایی چون عراق و سوریه و درگیر شدن در تحولات منطقه‌ای، سیاست خارجی این کشور متأثر از واقعیت‌های موجود بدنبال بازیگری و افزایش نقش منطقه‌ای خود و گسترش روابط با شرق از یکسو و تقویت ارتباط با اتحادیه اروپا و امریکا و متوازن ساختن سیاست خارجی خود از سوی دیگر بود، در راهبرد منطقه‌ای سیاست خارجی ترکیه ایجاد تعادل با قدرت‌های بزرگ، امریکا و اتحادیه اروپا و نیز استفاده از ظرفیت‌های هویتی و ژئوپلیتیکی برای افزایش نقش منطقه‌ای و جهانی نمایان است (برزگر، ۱۳۸۸:۳۴). ترکیه طی دهه اخیر به دلیل اهمیت منافع ملی در سیاست خارجی تلاش نموده نقش فعال‌تری در منطقه بازی کند. بر این اساس سران حزب عدالت و توسعه اعلام کردند که ترکیه در تمام تحولات منطقه‌ای تأثیرگذار و امنیت منطقه‌ای غرب آسیا را امنیت خود قلمداد می‌کند (سخاوتی، ۱۳۹۱:۸).

۴-۴- سیاست خارجی چند جانبه‌گرا

بر مبنای این اصل، سیاست خارجی ترکیه از محدودیت‌های دوره جنگ سرد که مبتنی بر روابط یکجانبه با غرب و ملاحظات دوره گذار که بیشتر بر روابط نظامی-اقتصادی متکی بود، رها می‌شود و مناسبات ترکیه هم به لحاظ منطقه‌ای و هم به لحاظ موضوعی و سطح روابط گسترش می‌یابد. بر خلاف تحولات دهه ۹۰ ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه، کانال‌های ارتباطی نوینی ایجاد کرد و روابط خود را بر مبنای اتحاد و کاهش سوء تفاهات، بنا نمود. این روابط هم از طریق نهادها و روش‌های رسمی و هم از طریق شبکه‌های مدنی و شرکت‌ها و اتحادیه‌های تجاری و مالی تقویت شد. (مسعودنیا و نجفی، ۱۳۹۰:۱۴۵). ترکیه تلاش دارد در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای هم حضوری موثر داشته باشد. عضویت در شورای امنیت، عضویت در گروه ۲۰، حضور در اجلاس اتحادیه عرب و اتحادیه آفریقا به عنوان عضو ناظر و عضویت در اتحادیه اروپا از سال ۲۰۰۵ از زمان آغاز مذاکرات از جمله این موارد است (ابرار

معاصر، ۱۳۹۶). داوود اغلو در این زمینه معتقد است که موفقیت خاص ژئوپلیتیک ترکیه بصورت مستقیم بر ساختار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی این کشور تحت تأثیر قرار می‌دهد و این امر ترکیه را مجبور می‌کند تا یک سیاست خارجی چند بعدی و همه جانبه نگر داشته باشد. ترکیه تا سال ۲۰۱۱ توفیق زیادی در کاهش تنش‌ها و مشکلات با همسایگان خود داشت و این به معنای موفقیت راهبردی جدید در سیاست خارجی ترکیه بود. اما با ظهور بحران‌های شمال آفریقا و خاورمیانه و بویژه کشورهای همسایه جنوبی مثل سوریه و عراق، پاشنه آشیل و ضعف عمق راهبردی داود اغلو مشخص شد. ترکیه بر سر دو راهی کاهش تنش‌ها و اختلاف‌ها با همسایگان از یکسو و مشارکت و سهم خواهی در بحران سوریه و عراق و در نتیجه همراهی با جبهه غربی - عربی از سوی دیگر، مردد باقی ماند (مفیدی احمدی، ۱۳۹۳: ۱). دخالت ترکیه در منطقه سبب شد تا سیاست تنش‌زدایی با شکست مواجه شود و سوریه و عراق در بحران بیشتری فرو روند و ترکیه در این میدان با ایران نیز به تقابلی بی‌سابقه رسید. دولت ترکیه به رهبری اردوغان ناگزیر شد کشورهایمانند عربستان و امارات و قطر را جایگزین منطقه‌ای همسایگان خود نمایند. آنچه در این بین اهمیت بسیاری دارد، این است که از ابتدا دو اصل تنش‌زدایی با همسایگان و نیز خروج از موقعیت حاشیه‌ای در سیاست خارجی ترکیه در هر شرایطی مکمل یکدیگر نبود و دولت ترکیه سناریوی بحران در همسایگان جنوبی خود را مورد ارزیابی قرار نداده بود و فرضیه بحران در مجاورت خود را در عمق راهبردی آزمون نکرده بود. این امر سبب شد تا اثبات گردد این دو اصل مهم در موقعیت بحران نه تنها مکمل هم نیستند، بلکه در تضاد مشخصی با یکدیگر قرار دارند (ابرار معاصر، ۱۳۹۶). ضعف دیگر اغلو و سیاست خارجی اردوغان محاسبه اشتباه و تک بُعدی آن‌ها بر مبنای پیشبرد سیاست ارتقاء ترکیه به موقعیت مرکزی در منطقه، به واسطه دیپلماسی صرف بود. این محاسبه تک بُعدی شاید در دوران آرامش تا حد نسبی جوابگو بود اما در هنگام بحران برای ترک‌ها مشخص گردید که جهت استقرار یک پارادایم جدید در سیاست خارجی باید لوازم و ابزار متعدد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و نظامی و غیره را به صورت موازی داشته باشند و با ابزار دیپلماسی به تنهایی نمی‌توان توفیق زیادی یافت. علاوه بر این ترک‌زبان اهل تسنن ترکیه وارد حوزه بازیگری ایرانی‌ها و اعرابی (شیعیان و اهل تسنن) شده بود که یا ایران و یا عربستان سعودی را الگوی خود در منطقه می‌دانستند. دولت اسلام‌گرای ترکیه فضای بعد از تحولات بیداری اسلامی را هویت‌های جدید ایرانی - عربی و شیعی - سنی منطقه را با دوران عثمانی اشتباه گرفته و کدهای ژئوپلیتیکی

_____ تغییرمبانی هویتی سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه و تاثیرات منطقه‌ای آن ۵
اشتباهی را در منطقه برای خود تعریف نموده است. در حالیکه پایگاه فرهنگی - سیاسی ترکیه در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز آنهم به صورت مشترک با ایران است، ولی این کشور همیشه در مواجهه با اهل تسنن و اعراب، شیعیان و ایرانی تبارها در منطقه به عنوان بازیگر دست دوم و یا سوم قلمداد می‌شود. (موتقی و علی زاده، ۱۳۹۳: ۱۴)

۵- تاثیرات منطقه‌ای سیاست‌های هویتی ترکیه در خاورمیانه

امروزه ترکیه بدنبال آن است تا به یک قدرت مهم منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شود و تا سال ۲۰۲۳ که صدمین سالگرد تأسیس ترکیه نوین است، به یکی از ده قدرت اقتصادی برتر در جهان تبدیل شود. در این راستا مقامات این کشور معتقدند که باید گفتمان ملی و گفتمان سیاست خارجی این کشور در یک راستا و به موازات هم حرکت کنند تا در پیگیری اهداف خود با مشکل روبرو نشوند (تاجیک و سعادت، ۱۳۹۵: ۹). ورود ترکیه به مسائل خاورمیانه و بهره‌گیری همزمان از مبانی هویتی در سیاست خارجی در کنار منابع ژئوپلیتیک و موقعیت استراتژیک این کشور تاثیرات و پیامدهای مهمی را در منطقه بجا گذاشته که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۵-۱- تلاش برای گسترش مدل اسلام ترکیه‌ای (اخوانی - سکولار): تقابل

ایدئولوژیک

ترکیه با تاکید بر هویت اسلامی خود در منطقه به دنبال آن است که خود را به عنوان یک الگوی موفق دموکراسی در میان کشورهای عربی نشان دهد. به ادعای برخی صاحب‌نظران، دلیل ایجاد دموکراسی نسبتاً موفق در ترکیه، علاوه بر تغییر نخبگان در رأس دولت، بدنبال بر چیدن ساختارهای استبدادی، دادن آزادی نسبی به رسانه‌ها، ایجاد رقابت سیاسی تقریباً مؤثر و تلاش برای بالا بردن آستانه تحمل مردم در پذیرفتن فرهنگ‌ها و سبک زندگی افراد، بود (یاووز، ۱۳۸۹: ۲۷۰). اردوغان در سفر خود به مصر در گفتگو با یکی از شبکه‌های تلویزیونی خصوصی مصر به نام Dream TV گفت که، مصری‌ها باید قانون اساسی خود را بر اساس سکولاریسم بنا کنند. وی هم چنین معتقد بود: حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه، یک مدل سیاسی خاص است که در آن دموکراسی سکولار اجرا می‌شود و می‌تواند به عنوان الگوی اخوان‌المسلمین مصر

مورد استفاده قرار گیرد (Algazeera, ۲۰۱۱). اما ویژگی‌های پرتلاطم خاورمیانه این خصوصیت اصلی مورد نظر رئالیسم - نفوذناپذیری و هویت ملی امن - را باطل می‌کند و از طرفی هویت و حاکمیت دولتی، باعث شده تا سیاستگذاری خارجی در غرب آسیا به غایت پیچیده باشد، لذا در تحلیل مسائل این منطقه، به ویژه در مورد جهان عرب، توپ‌های بیلیاردی غیرقابل نفوذ واقع-گرایی چندان صادق نیست، بلکه دولت بیشتر شبیه مجموعه‌ای از ارگان‌های به هم وابسته است و تنها چیزی که آنها را از هم جدا می‌کند، یک غشاء نفوذناپذیر است. (هینه بوش، ۱۳۹۰: ۲۸) در این مجموعه، عناصر هویتی به کنشگران می‌گوید که چه هستند و دیگران کیستند. بدین ترتیب، مجموعه روابط خود را با جهان بیرون، در قالب منازعه اسلام و غرب تعریف می‌کنند. (هالیدی، ۱۳۹۰: ۲۷) در این تعریف آنچه اهمیت دارد، شناختی است که در بستر اجتماعی از طرف مقابل ایجاد می‌شود و ساختاری هم که شکل می‌گیرد به قول ونت اجتماعی است، نه مادی (ونت، ۱۳۸۴: ۳۰). تلاش ترکیه در خاورمیانه، این کشور را وارد حوزه نفوذ ایران و عربستانی می‌کند که از درجه تاثیرگذاری بیشتری نسبت به ترکیه در منطقه برخوردارند و در صورت تداوم رویکردهای ترکیه این مهم به تقابل ایدئوژیک در قرائت از اسلام‌گرایی در خاورمیانه می‌شود. در حالیکه ایران با سوابق تاریخی - تمدنی درخشان مروج هویت شیعی و اسلام سیاسی امت گراست و عربستان با تاثیرگذاری بر دول عربی منطقه مروج اسلام محافظه کار سنتی با حمایت از بنیادگرایی است، ترکیه با ورود به مسائل هویتی منطقه از اسلام اخوانی - سکولار دم می‌زند (یزدان فام، ۱۳۹۰: ۶۱) که بیش از پیش منزوی و تنش‌های موجود منطقه را بحرانی‌تر می‌کند.

۵-۲- تلاش برای افزایش نقش منطقه‌ای - تضاد رویکردها

ترکیه با بهره‌گیری همزمان از مبانی هویتی، موقعیت ژئوپلیتیک و منابع قدرت بدنال کسب منافع بیشتر و افزایش نقش منطقه‌ای در خاورمیانه و افزایش میزان بازیگری خود در سطح جهانی است، در این راستا ترکیه بدنال تحدید نقش منطقه‌ای ایران و نقش‌آفرینی در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی همراه است اگر چه ترک‌ها در سیاست‌های منطقه‌ای خود با عربستان همراهی می‌کنند، اما بازی ترکیه در حوزه نفوذ سنتی عربستان این ترس در نخبگان سنی ایجاد می‌کند که ترکیه در پی احیای امپراتوری عثمانی و دستیابی به مناطق عرب و سنی نشین است، لذا حضور ترکیه در تحولات خاورمیانه باعث تضاد در رویکردهای منطقه‌ای و تنش در روابط سه

_____ تغییرمبانی هویتی سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه و تاثیرات منطقه‌ای آن ۵

کشور ایران، عربستان و ترکیه در تعریف هویت، منافع و دستیابی به مناطق پیرامونی می‌شود. با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ گفتمان سیاسی سنتی ترکیه تغییر کرد و در نتیجه هویت اسلامی ترکیه در سیاست خارجی این کشور نمایان‌تر شد. در واقع این گزاره که هر چه ترکیه هویت شرقی خود را نادیده بگیرد، می‌تواند به هویت غربی نزدیک شود، جای خود را به این گزاره داد که پذیرش جایگاه ترکیه در غرب از طریق تقویت پیوندهای این کشور با شرق امکانپذیر خواهد بود (ثمودی پيله رود، ۱۳۹۱: ۹۳).

ترکیه سیاست تنش صفر با همسایگان را که به خاطر اقتصاد ضعیف و نیز مشکلات امنیتی داخلی اتخاذ شده بود را کنار گذاشت و با بهره‌گیری از مبانی هویتی، با دخالت در امور داخلی کشورهای منطقه از جمله سوریه بحران‌های موجود را شعله‌ورتر کرد و در رقابتی هویتی با ایران و عربستان از یکسو و تقویت قدرت نرم خود در کشورهای حوزه ژئوپلیتیکی و ژئوکالچری امپراتوری عثمانی از سوی دیگر شد که در تقابلی تمدنی، تاریخی و هویتی با ایران قرار گرفت. (گوهری مقدم و مددلو، ۱۳۹۵: ۱۳۷) لذا ترکیه دچار تناقض در اصول نشد، بلکه تنها روش رفتاری خود را تغییر داد، که این تغییر رفتار منجر به تعارض در رویکردهای منطقه‌ای و تهدید منافع ایران و عربستان شد.

۵-۳- شکل‌گیری منازعات هویتی در منطقه

دولتمردان ترک در راستای افزایش نفوذ منطقه‌ای‌شان تلاش می‌کنند تا خود را حامی جدی آغاز اصلاحات اساسی در حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا نشان دهند که حتی رهبری اصلاحات سیاسی در منطقه را نیز بر عهده بگیرند. برخی بر این اعتقادند که ترکیه در پیگیری این اهداف از انگیزه‌های رقابت با ایران به دلیل اینکه جمهوری اسلامی هم به واسطه تجربه مهم‌ترین انقلاب منطقه در سه دهه قبل و هم به لحاظ دفاع همه‌جانبه از انقلاب‌های مردمی بخاطر موقعیت ممتاز برای تأثیرگذاری بر تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا، نیز برخوردار است، به گونه‌ای که برخی محافل غربی و اسرائیلی از ابتدای شروع انقلاب‌های مردمی در منطقه در سال ۲۰۱۱ نسبت به تأثیرپذیری آنها از گفتمان و رویکرد جمهوری اسلامی ایران ابراز نگرانی می‌کردند (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۰). شرایط حادث شده منطقه را به سمت تقابل هویت‌ها و شکل‌گیری منازعات هویتی سوق می‌دهد، در حالیکه ایران از هویت اسلامی دفاع می‌کند، ترکیه در پی تقویت هویتی سکولار از اسلام است که بعضاً، هویت عربی و سنی مورد نظر عربستان را

هم تهدید می‌کند. فشارهای بین‌المللی تبلیغی، سیاسی، اقتصادی و فناوری بر ایران، موجبات تقویت نفوذ مدل ترکیه را افزایش می‌دهد. اشغال عراق توسط امریکا سبب بروز اختلافات موجود بین دو محور شیعه و سنی در خاورمیانه و به ویژه عراق شد. در این بین ایران با توجه به نزدیکی با مخالفان رژیم صدام اعم از کرد، سنی، عرب و شیعه و به علت برخورداری از ریشه‌های مشترک فرهنگی و مذهبی و قومی عمیق با ملت عراق توانست به یکی از بازیگران درجه اول صحنه عراق تبدیل گردد. اما ترکیه که دارای چنین جایگاهی نبود بعنوان بازیگر درجه دوم به ایفای نقش پرداخت و سعی کرد با هر دو محور شیعی و سنی در عراق و منطقه، روابط برقرار کند. اما با وقوع تحولات بیداری اسلامی، روند مناسبات دگرگون شد (دانش‌نیا و احمدیان، ۱۳۹۳: ۱۰).

۵-۴. دوگانگی رفتار سیاست خارجی ترکیه

حمله آمریکا به افغانستان و عراق و رشد قدرت ایران از یک طرف و تغییرات ژئوپلیتیکی و زایش دولت کردی در عراق، فرصت‌های تجاری جدیدی برای کشورهای منطقه از جمله ترکیه بوجود آورد، این فرصت تجاری نه تنها با باز شدن فعالیت‌های جدید تجاری، بلکه با بازسازی عراق و فراهم شدن فرصتی برای ترکیه که خود را بعنوان مذاکره کننده و مصلح منطقه‌ای می‌پنداشت همراه شد (نقدی نژاد، ۱۳۸۷- الف: ۳۴). در چنین فضایی ترکیه خود را تحت فشار تجدید نظرطلبی در منطقه یافت. از یکسو، تنش‌های جاری میان تامین‌کنندگان انرژی و مصرف‌کنندگان آن فرصتی برای ترکیه ایجاد کرد تا از طریق آن راه‌هایی را برای ایجاد روابط و ثبات انرژی برای نیازهای متنوع بوجود آورد و از سوی دیگر، در کنار بحث انرژی، مسئله کردها در شمال عراق و سوریه مهمترین دل‌نگرانی ترکیه شد ترک‌ها حاکمیت کردها در عراق را تهدیدی علیه تمامیت کشورشان تلقی می‌کنند و یک حکومت کاملاً خود مختار «کرد» در عراق را زمینه‌ساز پافشاری بیشتر کردهای ترکیه برای استقلال و در نتیجه تداوم یک منازعه فرقه‌ای می‌دانند. بخاطر وضعیت استقلال کردها، فعالیت پ.ک.ک و دخالت اسرائیل در منطقه سیاست خارجی و رفتارهای این کشور با حساسیت بیشتری دنبال می‌شود. (نقدی نژاد ۱۳۸۷- ب: ۸) با توجه به بافت اجتماعی ناهمگون و وقوع بحران‌های هویتی و نیز تشدید بحران سوریه در منطقه، ترکیه در سطح داخلی با بحران مشروعیتی مواجه شد که میزان ناراضی‌تبی اکراد از حزت

_____ تغییرمبانی هویتی سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه و تاثیرات منطقه‌ای آن ۵
عدالت و توسعه افزایش و در روند مذاکرات صلح با «پ.ک.ک» چالش‌هایی به وجود آمد.
(امیری و عابدی صفدرآباد، ۱۳۹۳: ۳)

۶- نتیجه‌گیری

با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه جهت‌گیری سیاست خارجی ترکیه دستخوش تغییرات جدی گردید، به گونه‌ای که رویکرد این کشور در خاورمیانه از همکاری به سمت تعارض گرایش پیدا کرد. تغییرات بوجود آمده در بافت سیاسی و اجتماعی ترکیه و تاکید این کشور بر لایه‌های هویتی، تنش‌های ایدئولوژیکی جدیدی را بوجود آورد. رهبران حزب عدالت و توسعه با تاکید بر مبانی هویتی سعی در ایجاد تغییرات سیاسی و فرهنگی این منطقه دارند و با تاکید بر هویت تاریخی خود به دنبال احیای نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ترکیه در کشورهای بودند که قبلاً جزئی از امپراتوری عثمانی محسوب می شدند و لذا سه لایه هویتی اسلامی، غربی و ترکی از اهمیت زیادی برخوردار شدند که تغییر این مبانی و تاثیرات منطقه‌ای آن مورد بررسی قرار گرفت. اگر چه ترکیه در ابتدا با بهره‌گیری از لایه هویتی اسلامی سیاست تنش صفر با همسایگان را دنبال می‌کرد و به سمت هم‌گرایی و همکاری‌های منطقه‌ای پیش رفت، اما تغییرات ساختاری و ایدئولوژیکی ناشی از تحولات عربی منطقه این کشور را به سمت تعارض، تنش و تقابل منطقه‌ای سوق داد؛ ترکیه از یکسو با گسترش نفوذ ایران و سایر گروه‌های شیعی در منطقه مخالف بود و از طرفی هم تلاش کرد تا نفوذ عربستان سعودی در مناطق سنی‌نشین را به حداقل برساند و خود را بعنوان نماینده بخشی از جهان اسلام معرفی کند. بهره‌گیری از لایه هویت اروپایی باعث بدبینی حاکمان و نخبگان ترکیه از سیاست‌ها و اهداف کشورهای غربی شد، به عنوان مثال بسیاری از نخبگان حاکم در ترکیه، غرب را به پیگیری استانداردهای دوگانه از جمله انفعال در برابر حملات غیرانسانی اسرائیل به غزه و بی‌توجهی در مقابل آنچه جنایات نظام حاکم بر سوریه بر علیه مردم خود می‌خوانند، متهم می‌کردند و معتقدند که این بی‌توجهی یکی از عوامل اصلی قدرت‌گیری گروه‌هایی چون داعش است. از طرفی هم سیاست تنش زدایی پیشین در قبال سوریه بعد از انقلاب‌های عربی با تغییراتی مواجه شد و ائتلاف این کشور با بخش مهمی از کشورهای اروپایی برای سرنگونی رژیم حاکم بر سوریه به دلایل مختلف، را می‌توان از تاثیرات لایه اروپایی هویت ترکیه بر

سیاست‌های داخلی و خارجی این کشور برشمرده. تغییر در رویکرد ترکیه در داخل مرزها و از بین رفتن موازنه بین امنیت و آزادی و حرکت به سمت اقتدارگرایی حزبی نیز در این مقال می‌گنجد، تاکید ترکیه بر هویت ملی و ناسیونالیسم ترکی باعث شد تا رویدادهای اخیر سوریه و عراق با مسئله کردها گره بخورد. اگر چه در ابتدا برسازمی مفهومی از ترکیه‌ای بودن، کردهای این کشور را نیز در بر می‌گرفت، اما این فرایند که با عنوان «عادی‌سازی مسئله کردها» شناخته شد با تحولات موسوم به بهار عربی با چالش مواجه شد. در واقع مسائل کردهای جدایی‌طلب از طرفی به جهت رخدادهایی چون ایجاد منطقه کردی مستقل در شمال عراق و همچنین ایجاد کلونی‌های مستقل کردی در سوریه به شدت امنیتی شد، از سویی نیز به دلیل درگیری‌های گسترده پ.ک.ک در نبرد علیه داعش در سوریه و عراق که موجب افزایش محبوبیت و فعالیت گروه‌های جدایی‌طلب کرد شد، نگرانی ترک‌ها را از مسئله کردی بیشتر کرد. ادراک رهبران حزب عدالت و توسعه از هویت ترکیه بسیار سیال و در عین حال متعارض است. باور دولتمردان ترک به عدم جزمیت در اجرای مؤلفه‌های گفتمان نو عثمان‌گرایی به منظور تأمین هر چه بیشتر منافع ملی ترکیه اگر چه استعداد خاصی به انعطاف‌پذیری سیاست خارجی این کشور می‌بخشد اما به همان اندازه تناقضات و تعارضات آن را آشکار ساخته و این کشور را در سال‌های پیش رو ملزم به فاصله‌گیری از سیاست یک بام و دو هوا در مواجهه با تحولات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خواهد کرد. ترویج مدل نظام سیاسی ترکیه در خاورمیانه در سایه موفقیت‌های سیاسی و اقتصادی حزب عدالت و توسعه در کنار اهداف بلند پروزانه نخبگان ترکیه برای رهبری این تحولات، موجب ورود و درگیری این کشور در معادلات منطقه‌ای شد. واقعیت‌های ژئوپلیتیکی در حال تغییر خاورمیانه و شتابزدگی کارگزاران سیاست خارجی ترکیه در چگونگی برخورد با این تحولات به همراه عوامل متعدد دیگر، موجب تغییر در رویکردهای تعاملی، عملگرایانه و اقتصادی در سیاست خارجی دولت عدالت و توسعه گردید؛ به گونه‌ای که نخبگان این حزب با ورود به بازی بزرگ خاورمیانه بعد از سال ۲۰۱۱، راهبردهای رقابتی ایدئولوژیک و تهاجمی را در برخورد با تحولات منطقه‌ای و روابط دو و چندجانبه با دولت‌های همسایه و قدرت‌های بزرگ بکار گرفتند که منجر به تضاد رویکردها، تقابل ایدئولوژیک و منازعات هویتی جدیدی در خاورمیانه شد.

منابع:

الف: منابع فارسی

کتاب

- داووداوغلو، احمد (۱۳۹۱)، عمق راهبردی (موقعیت کنونی ترکیه در صحنه بین‌الملل)، ترجمه محمد حسین نوحی نژاد ممقانی، تهران، انتشارات امیر کبیر
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۹)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت
- زارع، محمدرضا (۱۳۸۳)، علل رشد اسلام‌گرایی در ترکیه، چاپ اول، تهران، نشر اندیشه سازان نور
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۶)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران، انتشارات سمت
- نقدی نژاد، حسن (۱۳۸۷- الف)، سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه ترکیه، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام
- نقدی نژاد، حسن (۱۳۸۷- ب)، نبرد بی پایان؛ مبارزه ترکیه با کردها، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام
- فولر، گراهام (۱۳۷۹)، قبله عالم؛ ژئوپلتیک ایران، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز
- ونت، الکساندر (۱۳۸۴)، نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه
- هینه بوش و احتشامی، نوشیروان، (۱۳۹۰)، سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه، ترجمه رحمان قهرمان پور و مرتضی مساح، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق
- یاووز، هاکان (۱۳۸۹)، سکولاریسم و دموکراسی اسلامی در ترکیه، ترجمه احمد عزیزی، تهران، نشر نی

مقالات

- احمدی، حمید (۱۳۸۸)، "ترکیه، پان‌ترکیسم و آسیای مرکزی"، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی (ویژه همایش مطالعات منطقه‌ای، سال دوم، شماره ۵، زمستان).

- ۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷
- اسماعیلی، بشیر، محمد زارع زاده و محمد فلاح (۱۳۹۵)، "افول و زوال مدل ترکیه در خاورمیانه، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد شهرضا، دوره ۸، شماره ۲۸
- افضل، رسول و متقی، افشین (۱۳۹۰)، "بررسی و تبیین ژئوپلیتیکی اسلام‌گرایی اعتدالی در سیاست خارجی ترکیه از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۱، با رویکرد سازه‌انگاری"، فصلنامه روابط خارجی، دوره ۳، شماره ۴، زمستان
- اکبری، نورالدین (۱۳۸۷)، "قدرت‌یابی اسلام‌گرایان در ترکیه و تأثیر آن بر روابط این کشور با جمهوری اسلامی ایران"، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ش ۱۵، پاییز
- امام جمعه زاده و دیگران (۱۳۹۲)، "تحول گفتمان هویت در ترکیه از کمالیسم به اسلام‌گرایی با تأکید بر حزب عدالت و توسعه، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات جهان اسلام، دوره ۱، شماره ۳، زمستان
- بخشی، احمد (۱۳۸۸)، "بررسی تاریخی حضور ترکیه در قاره آفریقا" (با تأکید بر ده سال اخیر)، فصلنامه مطالعات آفریقا، شماره ۲۰، پاییز و زمستان
- برزگر کیهان (۱۳۸۸)، "منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران"، مطالعات اوراسیای مرکزی (ویژه همایش مطالعات منطقه‌ای)، سال دوم، شماره ۵
- بنی‌هاشم، میرقاسم (۱۳۹۱)، "سیاست نوین ترکیه و موقعیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی"، پژوهشنامه دفاع مقدس، سال اول، شماره ۴، زمستان
- تاجیک، هادی و ابوالفضل سعادت (۱۳۹۵)، "بررسی سیاست خارجی ترکیه در دوره اسلام‌گرایان و تأثیر آن بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران"، مجله سیاست دفاعی، سال ۲۴، شماره ۹۵، تابستان
- ثمودی پيله رود، علیرضا و یاسر نورعلیوند (۱۳۹۱)، "سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه در قبال فلسطین"، فصلنامه مطالعات فلسطین، شماره ۱۶، بهار
- جوادی ارجمند، محمدجعفر (۱۳۹۲)، "رابطه هویت و منافع در سیاست خارجی جمهوری اسلامی با تکیه بر رویکرد سازه‌انگاری"، فصل نامه تحقیقات سیاسی بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شهرضا، شماره ۱۵
- حسینی، سیده مطهره، طالب ابراهیمی و صفی اله شاه قلعه (۱۳۹۲)، "نگاه به غرب در سیاست خارجی ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه"، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات جهان اسلام، دوره ۱، شماره ۳، زمستان

- _____ تغییرمبانی هویتی سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه و تاثیرات منطقه‌ای آن ۵
- خلیج منفرد، ابوالحسن (۱۳۹۵)، "اقتدارگرایی اردوغان و حزب عدالت و توسعه و پیامدهای آن در ترکیه"، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، شماره ۴، زمستان
- دانش نیا، فرهاد و قدرت احمدیان و مسعودهاشمی (۱۳۹۲)، "هویت تاریخی، نوعثمان گرای و سیاست خارجی ترکیه"، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال دوم شماره ۷، پاییز
- رمضان زاده، عبدالله، جوکار، محمد صادق (۱۳۸۹)، "هویت از منظر سازه‌انگاران متعارف و رادیکال"، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر
- زاهدی، نسا (۱۳۹۱)، "سیر تحول سیاست خارجی ترکیه در پرتو بیداری اسلامی: تحول یا تکامل"، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و ششم، ش ۳، پاییز
- سخاوتی، مرضیه (۱۳۹۱)، "ترکیه و تحولات خاورمیانه"، مجله سیاست روز، شماره ۳۱۳۴
- صبری، محسن و صولت، رضا (۱۳۹۱)، "سیاست خارجی ترکیه در قبال اتحادیه اروپا: از همگرایی دویچ به سازه‌انگاری ونت"، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۶۹، تابستان
- طباطبایی، سیدمحمد و اکرام فضل‌خوانی (۱۳۹۳)، "سیاست خارجی ترکیه در قبال بیداری اسلامی در جهان عرب"، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، دوره ۲، شماره ۲۵
- عسگرخانی، ابو محمد، منصوری مقدم، جهانشیر (۱۳۸۹)، "همکاری و منازعه در روابط بین‌الملل: نگاهی به نظریه سازه‌انگاران الکساندر ونت"، فصلنامه سیاست، دوره ۴۰، شماره ۳
- علی حسینی، علی و عنایت اله یزدانی و زهرا بهزادی بیرک علیا (۱۳۹۴)، "اسلام‌گرایی محافظه‌کارانه و بازتاب آن در سیاست‌های اردوغان"، فصل نامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره ۲۵، زمستان
- کوشکی، محمدصادق و مصطفی رنجبر محمدی (۱۳۹۳)، "منطقه‌گرایی جدید در سیاست خارجی ترکیه پس از جنگ سرد"، پژوهشنامه منطقه‌ای، شماره ۶، زمستان
- گوهری مقدم، ابوذر و رامین مددلو (۱۳۹۵)، "ریشه‌های عثمانی‌گری در سیاست خارجی ترکیه ۲۰۰۲-۲۰۱۵"، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال پنجم، دور ۱۷، شماره ۴۷
- مسعود نیا، حسین و نجفی داوود (۱۳۹۰)، "سیاست خارجی نوین ترکیه و تهدیدهای امنیتی فراروی جمهوری اسلامی ایران"، آفاق امنیت، سال چهارم، شماره سیزدهم، زمستان

- ۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷
- مسعودنیا، حسین و عاطفه فروغی (۱۳۹۱) "ترکیه و بحران سوریه از میانجیگری تا حمایت از مخالفان دولت"، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال اول، شماره ۴
 - مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۳) "ژئوپلتیک هویت و سیاستگذاری امنیتی در موازنه منطقه‌ای خاورمیانه"، فصلنامه ژئوپلتیک، سال دهم، شماره ۲، تابستان
 - مفیدی احمدی، حسین (۱۳۹۲)، "نگاه هویتی به پیامدهای انتخابات پارلمانی اخیر بر سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه"، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه
 - مفیدی احمدی، حسین (۱۳۹۳)، "کنش‌های هویتی سیاست خارجی ترکیه بعد از تحولات موسوم به بهار عربی"، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۲۴ اسفندماه
 - مقصودی، مجتبی و حیدری شقایق (۱۳۹۰)، "بررسی وجوه تشابه و تفاوت جنبش‌های عربی در کشورهای خاورمیانه"، فصلنامه رهنامه سیاستگذاری، سال دوم، شماره دوم، تابستان
 - موثقی، احمد و علی زاده، شیوا (۱۳۹۳)، "سیاست خارجی توسعه‌گرای ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه؛ مورد قفقاز"، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۷، شماره ۲، پاییز و زمستان
 - هالیدی، فرد، (۱۳۹۰)، «نظریه روابط بین‌الملل و خاورمیانه نو»، در خاورمیانه نو، نظریه و عمل، فردهالیدی و هیینه بوش، ریموند و دیگران، ترجمه عسگر قهرمان پور، تهران، امیرکبیر.
 - یزدان فام، محمود، (۱۳۹۰)، «تحولات جهان عرب: صورت‌بندی قدرت و هویت در خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲
 - یزدانی، عنایت، علی علی حسینی و زهرا بهزادی دیرک (۱۳۹۴)، "تحلیل محافظه کاری اسلام‌گرایی اعتدالی و بازتاب آن در سیاست‌های اردوغان"، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی، شماره ۲۵

مجلات، روزنامه و سایت‌ها

- امیری، مدینه و منا عابدی صفدرآباد (۱۳۹۳)، "نقش بحران سوریه بر تجزیه طلبی کردهای ترکیه و عراق"، هفتمین همایش مجازی بین‌المللی تحولات جدید ایران و جهان، قزوین، تارنمای همایش مجازی بین‌المللی تحولات جدید ایران و جهان در: https://www.civilica.com/PaperIRANWORLD.۷IRANWORLD.۷_۰۱_۴.html

_____ تغییرمبانی هویتی سیاست خارجی ترکیه درخاورمیانه و تاثیرات منطقه‌ای آن ۵
- فلاح، رحمت‌الله (۱۳۹۱)، اهداف و چالش‌های راهبردی ترکیه در تحولات سوریه،
برگرفته از:

www.basirat.ir/news.aspx?newsid=۲۳۹۰۴۳

- موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران در: چهارشنبه ۲۵
بهمن ۱۳۹۶

<http://www.tisri.org/default-۲۱۴۹.aspx>

- واعظی، محمود (۱۳۸۶)، "میانه روهای کارآمد"، همشهری دیپلماتیک، ش ۱۷

ب: منابع انگلیسی

- Adler.E(۱۹۹۷), " Seizing the Middle Ground: constructivism in world politics", European Journal of Internasional Relations,vol.۳,no.۳

- Gueldere, Ekrem Eddy(۲۰۰۹), "Turkish foreign policy: From surround(by Enemic) to zero problem",C.A.P.Policy Analysis,no ۱۰

- Soysal, Mumtaz, (۲۰۰۴), The Future of Turkish Foreign Policy, in the Future of

- Shabi, Rachel (۱۵/۹/۲۰۱۱), "Turkey's Regional Power Play",Algazeera